

پیشنهادی تازه دربارهٔ واژه

اوستا

نام کتاب مقدس زرتشتیان در زبانهای فارسی و عربی بصورت‌های گوناگونی آمده است از قبیل اوستا، ابستا، استا، وستا، اویستا، بستاق، ابستاق، ابستاغ و...^۱ ولی هیچ یک از این واژه‌ها در کتاب مقدس زرتشتیان بکار نرفته است و همهٔ اینها قرائتهایی مختلف و گاهی آمیخته با تصحیف از واژهٔ پهلوی «PST» و «PSTK» است. نام دیگر این نامهٔ نامی «دین» است و در کتابهای پهلوی «دین» در مفاهیم آیین ایزدی، وحی و الهام و کتاب مقدس زرتشتیان مکرراً بکار رفته است.^۲ تا بحال چند وجه اشتقاق برای این کلمه توسط خاورشناسان پیشنهاد شده است^۳ که از نقل آنها در این یادداشت خودداری میشود و وجه اشتقاق تازه‌ای پیشنهاد میگردد.

داریوش بزرگ، در ستون چهارم از نبشتهٔ پارسی بغستان، چنین آورده است: «بخواست اورمزدا اینست نبشته‌ای که من کردم، بازبه [زبان] آریایی بود، و بر پوستان^۴ و چرم گره زده شده بود..... نوشته و در برابر من خوانده شد، سپس این نبشته را

۱- برای تفصیل بیشتر رجوع کنید به مزدیسنا و ادب پارسی ص ۱۶۹-۱۷۰ تألیف دکتر

محمد معین.

۲- در بیشتر کتابهای دینی پهلوی اشاراتی به دین در مفهوم کتاب اوستا شده است و شاید کتاب بندهش با کثرت تکرار این عبارت «Cēgōn gōwēt pat dēn» از دیگر کتابهای پهلوی ممتاز باشد.

۳- رجوع کنید به مزدیسنا و ادب پارسی ص ۱-۱۷۰ تألیف دکتر محمد معین.

۴- Pawastā در کتیبهٔ بنستان. ستون چهارم سطرهای ۸۹، ۹۰.

من به همه جا اندر دهبوها (کشورها) فرستادم». این پوستا چیست که کارنامه داریوش بر روی آن نوشته شده و برای حفظ و نگهداری آن را پاروپوشی چرمین بسته و گره زده بودند و برای مراعات دقت و احتراز از هر گونه دروغ و گزافه گویی در برابر شاهنشاه هخامنشی خوانده شده بود؟ آیا جز کتاب چیز دیگری نیز میتواند باشد؟ البته نه. اگر امروزه از کاغذ برای نوشتن استفاده می کنیم در گذشته نیاکان ما از بردی و پوست استفاده میکردند و طبق روایات و سنن زردشتی اوستارا برای نخستین بار بر روی پوستهای گاو نوشته بودند^۱.

اما مجرد شباهت لفظی پوستا و پوست و اوستا نمی تواند مؤیدی قاطع برای این پیشنهاد باشد. پس بگردیم تا شواهدی بیشتر پیدا کنیم.

در آثار پارسی تورفان به کلمه Pwstg در مفهوم کتاب برمیخوریم^۲ ولی آنچه از زبان سغدی یعنی زبان مردم شمال شرقی ایران آن روز برای ما بیادگار مانده است ارزشی بیشتر دارد چون سغد یکی از نزدیکترین سرزمینها به سرزمین اصلی اوستا یعنی خوارزم است^۳. در آثار سغدی به این جمله برمیخوریم:

« Pwst^k ZY my ^{sty} Snk^s Swtr n^{mt} » یعنی کتابی دارم بنام (= نامیده

میشود) Samgha-Sūtra. این کلمه Pwst^k سغدی و Pwstg پارسی در پهلوی با پیشوند ā بکار رفته و چون طرز نوشتن a و ā در آغاز کلمه یکسان بود بعدها در

۱- بدو کتاب زیر رجوع شود:

الف. کتاب ارداورازنامه: و این دین چگونه همه او ستاک و زند بر پوستهای گاو ویراسته و به آب زر نوشته و در شهر بابکان به دز نبشت نهاده شده بود.

ب. کتاب تنسرا نامه: میدانی که اسکندر از کتاب دین ماد و از ده هزار پوست گاو بسوخت باسنخر.

۲- منون مانوی تورفان را معمولا از روی شماره هایی که بدانها زده اند معین می کنند متأسفانه هر چه گشتم شماره متن یا متنهای پیرا که این کلمه در آن بکار رفته است نیافتم.

۳- I. GERSHEVITCH, A GRAMMAR OF MANICHEAN SOGDIAN, 604. note 1,

فارسی و عربی غالباً با 'a خوانده شده است. باز باید افزود که مصوت‌های کوتاه e, i, u, o, a در وسط کلمه غالباً نوشته نمی‌شده و این نیز مایه اشتباه پازند نویسان گردیده است. پس بنا بر این خواندن کلمه پهلوی *Pst-k را باید apustāk فرض کرد یعنی در حقیقت لفظی عام است که اراده خاص از آن شده است و اگر زبان پارسی حرف تعریف می‌داشت شاید تا اندازه‌ای مقصود را بهتر جلوه گر می‌ساخت از قبیل گفتن کتاب و اراده کتاب سیبویه و یا la Bible the Bible و اراده کتاب مقدس در نظر مسیحیان.